

مسائل ایران

بهمراه ۱۳۴۲

شماره ۴

سال دوم دوره دوم

جناب آقای سید سعید علی جمال زاده نویسنده مشهور ما که فطرتاً مشوق افکار خوب بوده و از دل و جرات همیشه درصدد خدمت بجامعه هستند اخیراً علاوه بر همکاری فقهی علاوه بر اقدام مفیدی در باره حل یکی از مشکلات مهم جوانان گزیده اند که در ضمن پیشنهاد ذیل باطلاع خوانندگان میرسد. ما از قلب اقتضایات ایشان را تقدیر میکنیم و امیدواریم پیشنهاد خیر خواهانه ایشان مورد توجه واقع شده و عملی گردد.

M. A. Djamaszadeh
78 Florissant
Geneve

مقام محترم سمینار مسائل ایران - طهران

با نهایت احترام بعرض میرساند که شماره های مجله مسائل ایران عزووصول بخشید و چشم و دل ارادتمند را که همواره مشتاق و جویای این قبیل مقالات استوار و متین که متکی بر علم و منطق و دلیل باشد بوده و هستم روشن ساخت. از صحیح دل و جرات تبریک میگویم. سالیان دراز است که باین نتیجه رسیدهام که در هر قوم و ملتی که یک عده اشخاص زبده و نخبه (Elites) وجود نداشته باشد که دلیل و مرشد و رهبر باشند کار ترقی و پیشرفت و حصول رفاه و سعادت مندی و روشنی بسیار مشکل و بلکه غیرممکن خواهد بود.

در کتاب « عظمت برگزیدگان » « Grandeur des Elites » تالیف موروسی Muret میخوانیم که « هر تمدنی بیشتر کار اشخاص برگزیده است تا کار اشخاص بزرگ »

Une civilisation est plus encore l'oeuvre des élites que des grands hommes.

و باز در همان کتاب آمده است :

« این اشخاص نخبه و برگزیده (اختیار) برای ارتقاء نوع بشر لازم ترند تا این قهرمانانی که از نظر کار لایزال اسباب و آلات ضروری هر ترقی هستند . »

Ces élites, plus nécessaires encore à l'ascension de l'humanité que ces héros en qui Carlyle voyait les instruments par excellence de tout progrès.

انتوان فرانس آدم چیز فهمی بود و هر چند عالم ب علم اجتماع و فیلسوف رسمی نبود ولی حرفهای راست زیاد دارد و از آن جمله در کتاب « مسیو بورژوازی در پاریس » چنین گفته است :

« تمام یک شهر و تمام یک ملتی در چند تن اشخاصی خلاصه میشود که با قوت وحدت و بصحت بیشتری از دیگران فکر میکنند . دیگران را بشمار نباید آورد . »

آنچه بنام نبوغ و ژنی يك نژادی خوانده میشود تنها در وجود يك اقلیت بسیار خفیری جلوه گر میشود. اشخاصی که دارای ضمیر آزاد هستند و میتوانند خود را از قید بیم و هراسهای بی اساس مستخلص و برده از رخ حقیقت بردارند بسیار نادر هستند.

- Toute une ville, toute une nation résident en quelques personnes qui pensent avec plus de force et justesse que les autres. Le reste ne compte pas. Ce qu'on appelle le génie d'une race ne parvient à sa conscience que dans d'imperceptibles minorités. Ils sont rares en tout lieu les esprits libres pour s'affranchir des terreurs vulgaires et découvrir eux-mêmes la vérité voilée".

در کتاب Main-d'œuvre turque تالیف دانشمند آمریکائی ترن دایک en Belgique هم میخوانیم :

« رفاه يك ملت و یایك نژاد اغلب اوقات بیشتر مدیون و مرهون قابلیت و استعداد يك صفتن از نمایندگان آنست که دارای لیاقت بیشتری هستند تا میلیونها افراد معمولی و ناقابل آن »
در ترجمه فرانسوی :

"La prospérité d'une nation ou d'une race est souvent due bien plus aux talents d'une centaine de ses représentants les mieux doués qu'aux capacités d'un million de ses médiocrités."

نظامی گنجوی خودمان هم در (خسرو شیرین) فرموده :

« زخوار صدف يك دانه در به »

« زلال اندک از طوفان پریه »

سینار مسائل ایران چنانکه از امضای مقالات مستفاد میگردد نخبه جوانان وزیده دانشمندان ما را جمع آورده است. خداوند بآنها توفیق عطا فرماید. ای کاش بنده پرستنده هم گرچه از جمع اصحاب بدور افتاده ام افتخار دربارتی آن آقایان را داشتم. شرایط کار در صفحه آخر هر شماره از مجله شمرده شده است. متأسفانه می بینیم که از قدرت من بیرون است.

چطور ممکن است که «بهیچ عنوان و عطری ولو بمنظور حفظ ادب و نزاکت باشد دروغ تکویم چیزی که هست با تمام ذرات وجودم و از روی کمال ایقان و ایمان مقتدم که (دروزدگی بشر هیچ چیز مفیدتر از فکر صحیح نبوده و نخواهد بود) و باقی چیزها را فرع بر این اصل اساسی می شمارم (حتی دوستی و راستی را) . با این مقدمات اگر بپذیرید که عضو ناقابل سینار باشم برایم نهایت افتخار خواهد بود و اینک طرح قابل ملاحظه استاد محترم که همیشه درد وطن و هموطنان را از دور شدیداً احساس و بفکر بهبود وضع اجتماع و خدمت به همنوع میباشند به اطلاع دولت و ملت ایران میرساند .

(مجله مسائل ایران)

در ممالک مترقی هر کاری در حقیقت متناسب با درجه معلومات افراد است باین معنی که همکس میدانند برای طفلی که تنها مدرسه ابتدائی (دبستان) را تمام کرده است چه کارهایی متناسب است و برای جواناتی که مدارس بالاتر را دیده اند چه کارهای دیگری تا برسد بدانشگاه و مدارس عالی دیگر، در صورتیکه در مملکت ما هنوز حتی در عادات و رسوم همچنین طبقه بندی صورت نگرفته است و به همین ملاحظه است که جوانان ماکه مثلا تنها دبیرستان رادیده اند کسر شان خود میدانند که فلان شغل

را قبول نمایند و مدعی شغل‌های بالا هستند و چون زیر بار بسیاری از کارها و شغل‌ها نمی‌روند بی‌کار میمانند و دستخوش پاره‌ای جریانات زیان‌آمیز میگردند. از طرف دیگر در فرنگستان هر چند بموجب قانون تعلیمات اجباری تمام مردم بچه‌های خود را بمدرسه میفرستند ولی اکثریت آنها همین قدر که اطفالشان دوره ابتدائی را دید درصدد برنمی‌آیند که آنها را بدبیرستان بفرستند بخصوص که طفل پس از اتمام دبستان فوراً شروع بکار میکند (اول شاگردی و بعد کار با مزد تمام) و هر هفته و یا هر ماه با مزدی که میگیرد کمکی بمایدات خانواده مینماید و تنها خانواده‌هایی که چندان احتیاجی باین کمک ندارند اطفال خود را پس از طی دبستان بدبیرستان و یا بمدرسه حرفه‌ای میفرستند و هکذا بسیاری از جوانان پس از طی دوره دبیرستان درصدد وارد شدن بدانشگاه و مدارس عالی دیگر نیستند و مخصوصاً اشخاص ثروتمند که کارها و مشاغل با منفعت در دست دارند مانند مدیر بانک و رئیس شرکت بیمه و شرکت‌های حمل و نقل و یا مقازه‌های بزرگ و غیره فوراً جوانان خود را پس از اتمام دبیرستان مشغول همان کار و شغلی که خودشان دارند میسازند که وقتی پدر پیر شد و یا وفات نمود پسر بتواند باسانی جای پدر را بگیرد و لهذا بیشتر جوانانی که وارد دانشگاه و مدارس عالی میشوند از خانواده‌های ثروتمند و معتبر نیستند و یا جوانانی هستند که مانند پدران خود میخواهند دارای همان شغل پدری بشوند یعنی مثلاً طبیب و یا دوا فروش و یا معمار و مهندس و وکیل عدلیه و قاضی بشوند.

در مملکت ما هر خانواده‌ای سعی دارد که فرزندش پس از دبستان بدبیرستان برود و پس از دبیرستان بدانشگاه. گمان میرود که در مملکت ما هم اگر کودکان پس از طی دبستان و جوانان پس از طی دبیرستان فوراً نمیتوانستند وارد کار و شغلی بشوند و مزد مرتب و کافی بگیرند از سعی در رفتن بدانشگاه منصرف میشوند.

در حال اکنون جوانان ما در نتیجه فقدان کار و مزد همه میخواهند بمدرسه بالاتری بروند و چون مملکت ما نیز مانند تقریباً تمام ممالک دنیا بقدر کافی جا در مدارس خود ندارد و معلم کافی ندارد و سرمایه و اعتبار کافی برای تهیه و تدارک مدرسه و معلم و کتاب و لوازم دیگر ندارد جوانان بی‌کار و ناراضی سرگردان میمانند و برای ارضای خاطر خود ممکن است در کارهای خطرناک و زیان‌بخش شرکت نمایند بخصوص که اسباب عدم رضایت از هرسو موجود است و جوانان را که طبعاً حساس و غیر منطقی و پرخاشجو هستند باسانی میتوان در جریانات ناروا وارد ساخت.

راقم این سطور که مقیم کشور سوئیس میباشد از چند سال بدین طرف شاهدو ناظر کیفیت مخصوصی است که ممکن است اطلاع بدان برای هموطنانش خالی از فایده نباشد. در سوئیس کار زیاد است و بقدری زیاد است که تنها خوداهالی مملکت از انجام آن عاجز مانده‌اند و از عهده برنمی‌آیند و لهذا درصدد برآمده‌اند که از ممالک دیگر و بخصوص ممالکی مانند ایتالیا و اسپانیا و ممالک افریقای شمالی که کار کم است و جوانان بسیاری بی‌کار میمانند کارگر بسویس وارد سازند و اکنون کار بجائی رسیده است که در این مملکتی که پنج میلیونی بیشتر نفوس ندارد، هفتصد هزار کارگر بیگانه مشغول کار گردیده است و احتمال می‌رود که عده این کارگران بزودی بیک میلیون هم برسد.

کارگران خارجی در سوئیس بیشتر در سه رشته کار مشغولند: اول کارهای زراعتی، دوم کارهای ساختمانی، سوم کارهای درهماخانه‌ها و رستورانها و قهوه‌خانه‌ها

وامثال آن و هکذا کارنوگری و خدمتکاری .

دولت سوئیس برای جلب کارگران خارجی سعی دارد که اسباب رضای خاطر آنها را از هر جهت فراهم سازد. ولها با آنها نیز مانند کارگران سوئیس معامله مینماید. مزد ماهانه این کارگران بیول ایران در حدود یک هزار و پانصد الی دو هزار تومان میشود. اگر ساعات اضافی کار بکنند عایدات بیشتری خواهند داشت.

کارگر خارجی که وارد خاک سوئیس میشود باید خدمت نظامی خود را انجام داده باشد، مریض و علیل نباشد، سابقه جنائی نداشته باشد، حتی المقتدر دارای زن و بچه نباشد. کارخانجات و موسساتی که در سوئیس احتیاج بکارگر و مستخدم دارند با ادارات مخصوص خبر میدهند و آن ادارات بعضی اینکه کارگری از خارج وارد شد پس از تحقیق لازم در اختیار طالبین میگردد. فعلا مقصود ما در این بیان جزئیات این کار نیست و تنها به کلیات میپردازیم و مقصود اصلی این است که شاید مقتضی باشد که چند هزار تن از جوانان ایرانی را که بی کار و بی بنیان و بی عایدات مانده اند و قدرت کار دارند بعنوان کارگر سوئیس بفرستند .

برای این کار لازم است که دولت ایران با دولت سوئیس مذاکرات مقدماتی لازم را بعمل آورد و قراردادهای لازم را منعقد سازد. کارگرهای خارجی در بیرون برتن پولی که جمع کرده اند کاملا آزادند . اگر دولت ما ویا هیئتی از اشخاص خوش نیت و کارداران درصدد انجام این کار برآیند باید از میان جوانان بی کار ما چند هزار نفر را که تاحدی زبان فرانسه ویا آلمانی هم بدانند انتخاب نمایند. و صورت بردارند و اسباب حرکت آنها را از ایران با کلیه تنهای مخصوص (دولتی یا غیردولتی) فراهم سازند و بموجب قرار و ترتیبی که با اولیاء دولت سوئیس گذاشته اند جوانان را بدسته بدسته وارد سازند و آنها را در کارخانه های سوئیس برحسب احتیاج حرکتون بعضی نمایند و در سفارت ایران در برن دفتری تاسیس شود که بدین کار رسیدگی نماید و مرجع شکایات کارگران ایرانی باشد.

اخیرا در روزنامه دیده شد (ورقه را بضمیمه تقدیم میدارد) که دولت ترکیه با دولت بلژیک دارد قراردادی منعقد میدارد و بموجب این قرارداد عده کارگران ترکیه در خاک سوئیس کار میکنند و تعدادشان سه هزار است به ده هزار نفر بالغ خواهد گردید

Bruxelles. — Selon un rapport de la Chambre de commerce belge-turque, 3000 ouvriers turcs travaillent actuellement en Belgique. On pense que ce chiffre pourra être porté à 10.000 en 1954. (A. T. S.)

ما ایرانیان دچار یکنفرشته خرافات و موهوماتی شده ایم که بهیچوجهسبب الوجوه معقول و منطقی نیست که کسی هم جرات نمیکند در آن خصوص حرفی بزند و یا اظهار عقیده ای نماید . مثلا خیال میکنیم که هر چه برجست مملکتمان افزوده شود. در خیر و صلاح ماست و باید بدان مباحثات نمائیم و لهذا مدام در صددیم که آمل را بلا بپریم و روز بروز جمعیت مملکتمان را بیشتر قلمداد کنیم و همچنین مردم را تشویق میکنیم که زاد و ولد را زیاد بکنند و باسلام و صلوات از مردی که هفت و هشت ونه و ده فرزند دارد صحبت میداریم و این در صورتی است که اغلب ممالک امروز سعی دارند که جلو ازدیاد نفوس را بگیرند و حتی در همین کشور سوئیس در روزنامه هایش از چندی بدین طرف مقالتی دیده میشود مبنی بر اینکه خانواده های سوئیس خوب است جلو فرزند زیاد

را بگیرند .

فلا چند مقاله که روزنامه‌های ژنو درباره کارگران خارجی انتشار داده‌اند ضمیمه باین معروضه میفرستم که ملاحظه فرمائید و همچنین متن قانون فدرال سوئیس را در باب زندگی و اقامت خارجیها درخالد سوئیس.

اگر کارمندان محترم مجله «مسائل ایران» پیشنهاد ازادتنگد را حورد توجه قرار بدهندگمان میروود مقتضی باشد که کمیسیونی از چند نفر از اعضای خود تشکیل بدهند که این موضوع را مطرح نموده در اطراف و جوانب آن تبادل افکار نموده تصمیمی اتخاذ فرمایند و سپس با مراجعه بمقامات رسمی صلاحیتدار یعنی وزارت امور خارجه و وزارت کار و وزارت فرهنگ مقدمات کار را فراهم سازند. بنده هم در حدود توانائی بسیار اندک و محدود خود بیاکمال افتخار حاضریم آنچه از دستم ساخته باشد انجام بدهم .

برای اطلاع بیشترى شاید مقتضى باشد که با دلار بين المللى کار در زونهم مکتبه بعمل آید .

مجددا استاد محترم در نامه مورخ ۷ دیماه خود راجع بمقاله (تربیت و اقتصاد) جناب دکتر محمود صبغی شرح زیرین را مرقوم داشتند که عینا از نظر هشترتکین و خوانندگان گرامی میآورد.

مدیر محترم مجله «مسائل ایران»

با عرض سلام واردتندی زحمت افزا میگرد که دیروز شماره ۲ (سال دوم) اول آذرماه ۱۳۴۲ مجله «مسائل ایران» رسید از مطالعه مقاله‌های مفید و محققانه آن لذت وافر بردم. ولی در این جا مقصودم مقاله «تربیت و اقتصاد» بقلم آقای دکتر محمود صبغی است که مدتها بود مقاله‌ای باین خوبی نتوانده بوم و فلسف دارم که جوانان ایرانی و هموطنان ما از منبامین عالی چنین مقاله‌ای بی‌خبر و بی نصیب بمانند و تصور میکنم اگر این مقاله را بصورت جداگانه در چند هزار نسخه بچاپ رسانیم و در میان هموطنان بخصوص وکلای مجلسی، سناتورها، معلمین مدارس، دانشجویان در داخله و خارجه و اعضای سازمان برنامه توزیع نمائیم خدمتی واقعی انجام داده‌ایم و لهذا جناب و وزیر بیهوده پیشنهاد اداره مجله «مسائل ایران» و بمقام محترم «سینار ایران» مینماید که وسایل این کار را فراهم سازند بنده به هم خود حاضریم باکمال افتخار مبلغ دویست تومان در مصارف و مخارج این کار شرکت داشته باشم و حاضریم وقتی حاضر شد در میان دانشجویان سوئیس بوسیله پست که مطمئن است توزیع نمایم. توفیقات مجله و سینار را از صمیم دل و جان خواهانم .

ژنو - ارادتمند سید محمد علی جمال زاده